

لیگ نخبگان آسیادر آستانه یک تحول بزرگ تکرار اشتباه؟
نازنین دشتی
<p>در دنیای فوتبال ،قاره آسیا همواره به دنبال جایگاه خود در کنار غول‌های اروپا و آمریکای جنوبی بوده است. رویای داشتن یک لیگ باشگاهی در سطح لیگ قهرمانان اروپا، آرزوی دیرینه برای کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) به‌شمار می‌رود. در همین راستا،AFC اخیرا دست به یک تغییر ساختاری بزرگ زده و نام رقابت‌های سطح اول باشگاهی خود را از لیگ قهرمانان آسیا به لیگ نخبگان آسیا تغییر داد. اما این تحول که قرار بودنویذبخش کیفیتی بالاتر و ساختاری مستحکم‌تر باشد، هنوز به‌طور کامل جان‌نیافته که AFC خبر از تصمیمی دیگر و شاید جنجالی‌تر می‌دهد؛ افزایش تعداد تیم‌ها، بر اساس اعلام رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا. تعداد تیم‌های حاضر در مرحله گروهی لیگ نخبگان از دو فصل آینده از ۲۴ تیم به ۳۲ تیم افزایش خواهد یافت. این تصمیم که با هدف افزایش مشارکت تیم‌ها و ارتقای سطح کیفی مسابقات اتخاذ شده، در نگاه اول حُرکنی رو به جلو برای فرآگیر شدن فوتبال آسیا به نظر می‌رسد. اما آیا این افزایش کمی، واقعا در راستای همان هدف نخبگی است که AFC ادعای می‌کند؟ یا صرفا تلاشی است برای پنهان کردن مشکلات ریشه‌ای ترو دست‌نیافتنی بودن نظم و ثبات در فوتبال باشگاهی آسیا؟</p>

تصمیم اخیر AFC برای افزایش تعداد تیم‌ها در حالی اعلام می‌شود که این کنفدراسیون در دو فصل گذشته، تلاش کرده بود تا محدود کردن سهمیه‌ها به کشورهای صاحب سبک، سطح کیفی مسابقات را بالا ببرد. هدف از تغییر فرمت به لیگ نخبگان، تمرکز روی قدرت‌های بزرگ فوتبال آسیا و ایجاد رقابتی فشرده‌تر بود. اما حالا، با اضافه شدن هشت تیم جدید، چهار تیم به منطقه شرق و چهار تیم به منطقه غرب) ، این سوال مطرح می‌شود که آیا این تصمیم، به معنای عقب‌نشینی از هدف نخبگی و بازگشت به سیاست‌های فرآگیری است؟

یکی از ابهامات اصلی در این طرح جدید، نحوه تخصیص این سهمیه‌های اضافه است. آیا این چهار سهمیه جدید به کشورهای درجه سه و چهار آسیا اختصاص پیدا می‌کند تا AFC فرصت بیشتری برای باشگاه‌های برتر فراهم شود؟ یا اینکه سهمیه‌های اصلی کشورهای قدرتمند مانند عربستان، قطر، امارات و ایران افزایش می‌یابد؟ در هر صورت، این تصمیم نشان می‌دهد که AFC هنوز در تعریف دقیق مرز بین رقابت نخبگان و مشارکت گسترده در ساردرگمی است. اگر هدف، رقابتی در سطح بالا بود، چرا باید تعداد تیم‌ها افزایش یابد، در حالی که بسیاری از تیم‌های حاضر در فرمت فعلی نیز نتوانسته‌اند سطح کیفی مطلوبی ارائه دهند؟



شاید بزرگ‌ترین انتقاد به این تصمیم، بی‌توجهی AFC به مشکلات ساختاری و لیجستیکی است که سال‌هاست گریبان گیر لیگ قهرمانان آسیا بوده است. نظم برگزاری این رقابت‌ها به شدت تحت تأثیر شرایط منطقه‌ای و سیاسی قرار دارد. هر سال، شاهد تغییرات ناگهانی در محل برگزاری مسابقات، ناهم‌جایی میان‌ها و لغو یا بی‌تعمیق رفتن بازی‌ها هستیم. این شرایط، نه تنها از جذابیت مسابقات می‌کاهد، بلکه بر نام‌بریزی باشگاه‌ها را نیز مختل می‌کند. تصمیم اخیر AFC در مورد تغییر نحوه صود به مرحله حذفی، خود گواه این بی‌ثباتی است. بر اساس طرح جدید، تیم‌ها هفتم تا دهم هر منطقه باید در یک مرحله پلی آف حذفی برای کسب سهمیه‌های باقی‌مانده رقابت کنند. اما نکته قابل تأمل اینجاست که AFC اعلام کرده به دلیل فشرده‌گی تقویم مسابقات فوتبال در سطح جهان، اجرای این مرحله پلی آف تا فصل ۲۰۲۶-۲۰۲۷ انجام نخواهد شد! این یعنی کنفدراسیون فوتبال آسیا، طرحی را تصویب کرده که خودش می‌داند به دلیل مشکلات تقویمی، قادر به اجرای فوری آن نیست. این تناقض، این سوال را به ذهن می‌آورد که آیا AFC به جد افزایش تعداد تیم‌ها، نباید ابتدا به فکر حل مشکلات بنیادی تقویمی و ثبات منطقه‌ای باشد؟

AFC ادعای می‌کند که افزایش تعداد تیم‌ها، با افزایش گسترده‌تر و از نظر تجاری موفق‌تر خواهد شد. اما آیا جذابیت یک لیگ، صرفا با افزایش تعداد تیم‌ها بالا می‌رود؟ یا جذابیت واقعی در رقابت تنگناتک، کیفیت بالای فنی و ثبات برگزاری است؟ در سال‌های اخیر، لیگ قهرمانان آسیا (و حالا لیگ نخبگان) به دلیل عدم ثبات در برگزاری و تفاوت محتض سطح کیفی تیم‌ها، نتوانسته آطور که باید، توجه مخاطبان جهانی را به خود جلب کند. در بسیاری از موارد، رقابت‌ها در مرحله گروهی به دلیل حضور تیم‌های ضعیف، جذابیت چندانی ندارند و تنها در مراحل حذفی است که هیجان به‌اوج می‌رسد. حالا با اضافه شدن هشت تیم دیگر، این خطر وجود دارد که سطح کیفی مسابقات بیش از پیش پایین بیاید و شاهد بازی‌های یک‌طرفه‌بیشتری باشیم.

در نهایت، تصمیم AFC برای افزایش تعداد تیم‌ها، بیش از آنکه یک گام رو به جلو برای نخبگی باشد، شبیه به تلاشی برای پنهان کردن مشکلات ریشه‌ای‌تر است. کنفدراسیون فوتبال آسیا به‌جای حل مشکلات ثبات منطقه‌ای و تقویمی، به راه‌حل‌های کمی‌روی آورده است. آیا این تغییرات، واقعا جذابیت لیگ نخبگان را افزایش می‌دهد؟ یا تنها باعث می‌شود که این لیگ، بیش از پیش به یک رقابت گسترده‌اما بی‌نظم تبدیل شود؟

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیرنظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

رنال برمی‌گردد یادر مونیخ تحقیر می‌شود؟

جهنم باواریا

آرآرطاری

هوا در مونیخ سرد است، اما چمن آلیانتنس آرنا امشب زیر پای ۴۲۲گلدادیاتور ذوب خواهد شد. وقتی نورافکن‌های این استادیوم سقیمه‌مانند روشن شوند و پرچم‌های سرخ‌رنگ باواریا در آسمان به اهتزاز در آیند، اروپانفس خود را در سینه حبس خواهد کرد. دور بر گشت مرحله یک‌چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا و تقابل بایرن مونیخ و رنال مادرید، شاید جنجالی‌ترین مسابقه فوتبال نیست؛ این یک دادگاه صحرایی است که در آن، حکم مرگ و زندگی دو امپراتوری صادر می‌شود. رنال مادرید با شکست دو بر یک در سانتیاگو برنابئو، حالا با یک چمدان پر از اضطراب، انتقاد و البته یک امید آرزومندوار پای به خاک آلمان گذاشته است. این مسابقه، کالبدشکافی خالص‌ترین فرم از جنون فوتبالی است؛ جایی که تاکتیک‌ها با احساسات گره می‌خورند و اشتباهات، بسا گمبوتن تاریخ مجازات می‌شوند.

تاکتیک آر بلوادر این بازی، پیچیده ترین معمای فصل است. او نمی‌تواند از دقیقه یک سراپا حمله شود، چرا که بایرن منتظر همین خودکشی است. او باید تیمش را شبیه به یک تک‌تیر انداز بسور آرایش دهد

وقتی صحبت از رنال مادرید و بازگشت‌های واقعی می‌شود، ذهن هر هوادار فوتبال ناخودآگاه به سمت سانتیاگو برنابئو پرواز می‌کند. جادوی رنال مادرید همواره بسا سوت‌های کرکننده مادر دیدستانها، شب‌های جادویی چمپیونزلیگ در پایتخت اسپانیا و آن نیروی فراطبیعی که تیم حریف را در دقایق پایانی فلج می‌کند، تعریف شده است. اما امشب، معادله کاملا برعکس است. رنال مادرید باید معجزه را در خارج از خانه رقم بزند؛ آن هم نه در یک استادیوم معمولی، بلکه در آلیانتنس آرنا؛ جایی که هواداران بایرن مونیخ برای تکه‌تکه کردن غرور زخمی مادریدی‌ها لحظه‌شماری می‌کنند. تاریخ نشان می‌دهد که رنال توانایی بازگشت دارد، اما جبران شکست خانگی در مونیخ، نیازمند چیزی فراتر از دی‌ان‌ای قهرمانی است. این کار نیازمند یک خودکشی تاکتیکی موفق است. مادریدی‌ها در بازی رفت دیدند که بایرن چقدر سریع، بی‌رحم و کشنده است. آنها می‌دانند که برای زدن گل تساوی (در مجموع دو دیدار) باید حمله کنند، اما کوچک‌ترین شکاف در خط دفاعی آنها، توسط ماشین ضدحمله کمپانی به یک فاجعه تبدیل خواهد شد. رنال مادرید توان بازگشت را دارد، چون در خط حمله‌اش بازیکنانی مثل کیلیان امپابه و وینسیوس جنیور را می‌بیند که می‌توانند از هیچ، همه چیز بسازند؛ اما سوال اصلی این است: آیا ذهن آنها پس از ناگامی‌های اخیر، هنوز قدرت تمرکز برتر معجزه ۹۰ دقیقه‌ای را دارد؟

برای آلوارو اربلوا، امشب پایان جهان است. اگر او نتواند از این مهلکه جان سالم به‌در ببرد، آفتاب روز

چهره به چهره

کی‌روش؛ پیرمردی که راه جام جهانی را چشم‌بسته می‌داند

بازگشت ابدی

نگار رشیدی

خبر مثل یک بمب در سکوت نسبی پیش از طوفان جام جهانی ۲۰۲۶ منفجر شد. وقتی همه فکر می‌کردند دوران مربیگری کارلوس کی‌روش در بالاترین سطح فوتبال ملی به پایان رسیده و او در ۷۳سالگی باید در ویلای شخصی‌اش در لیسبون مشغول استراحت باشد، فدراسیون فوتبال غنا یک‌بار دیگر نام او را به تیترو یک رسانه‌های ورزشی دنیا بازگرداند. کارلوس کی‌روش، سرمربی جدید ستاره‌های سیاه‌شد؛ یک ذواوی تمام‌عیار، یک تکرار تاریخ و یک اثبات دوباره بر این گزاره که ظاهر ابرای کارلوس کی‌روش، هیچ پایانی وجود ندارد.

برای مخاطبان فوتبال، به‌خصوص در ایران، این سناریو به طرز عجیبی آشنا و حتی دردناک است. حافظه تاریخی ما هنوز روزهای ملتهب پیش از جام جهانی ۲۰۲۲ قطر را به‌وضوح به یاد می‌آورد. زمانی که در اگان اسکوچیچ، تیمی که در آستانه حذف بود را با نتایجی درخشان از منجلاوب‌بحرن بیرون کشید و با اقتدار به جام جهانی رساند. اما درست در فاصله چند ماه مانده به آغاز تورنمنت، تغییرات مدیریتی در فدراسیون فوتبال و فشارهای رسانه‌ای، کی‌روش را از ناگامی با کلمبیاو مصر به تهران کشاند تا روی میکتکی بنشیند که برایش در مرحله مقدماتی هیچ زحمتی نکشیده بود.

کی‌روش مدل ۲۰۲۲، استاد استفاده از فرصت‌های طلایی بود؛ مردی که نشان داد می‌داند چگونه در آخرین لحظات بلیت وی‌آی‌بی جام جهانی

چاپ: کارو کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseirani.ir

ایمیل: toseirani@gmail.com

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

toseirani.ir



مساله، کوهی از انگیزه را در اردوی بایرن تزریق کرده است. بازیکنانی مثل لروی سانه و جمال موسیالا که در برنابئو در زدن ضربات آخر بی‌دقت بودند، حالا در مقابل هواداران خودی به دنبال جبران و شلیک‌تیر خلاص هستند.

برای بایرن، این بازی فقط یک مسابقه حذفی نیست؛ این یک انتقال‌گیری تاریخی از تیمی است که در یک دهه گذشته با هلقب آنها را در اروپا شکسته است. پیروزی در مادرید، طلسم روانی بایرن را در برابر رنال شکست و حالا، آنها می‌خواهند در مونیخ، پرونده این رقابت کلاسیک

را با یک تحقیر بزرگ ببندند. استراتژی کمپانی روشن است؛ پرس دیوانه‌وار از همان ثانیه‌اول، خفه کردن خط‌هافبک رنال مادرید و استفاده از سرعت برق‌آسای وینگرهایش برای نفوذ به عمق دفاع لران مادریدی‌ها. کمپانی می‌خواهد نشان دهد که برنابئو یک اتفاق نبود، بلکه آغاز یک امپراتوری جدید در فوتبال اروپاست.

سرنوشت نبرد امشب، در چند دوئل کلیدی و سرنوشت‌ساز رقم خواهد خورد. مانوئل نویر در بازی رفت نشان داد که هنوز می‌تواند با یک حرکت دست، معادلات فوتبال را هم بریزد. او در برنابئو

آزمون بزرگی

امارات، ورزشگاه خانگی و باشکوه آر سنال، امشب میزبان نبردی است که برای توپچی‌های شمال لندن حکم عبور از دروازه‌های برزخ را دارد. پیروزی، یک بر صفر در لیسبون یا آن ضربه غافلگیرکننده و دیر هنگام کای هاورتز، یک مسکن قوی و حیاتی برای دردهای اخیر شاگردان میکِل آر تا بود، اما هیچ‌کس در اردوگاه آر سنال توهم پایان یافتن کار را ندارد. یک گل برتری در لیگ قهرمانسان اروپا، آن هم در برابر تیمی به سرسختی، جنگندگی و غیرقابل پیش‌بینی بودن اسپورتینگ، شبیه‌ترین چیز به یک دیوار شیشه‌ای است. شاید در ظاهر مانعی مستحکم به نظر برسد، اما با کوچک‌ترین ضربه سنگین، با صادی مهیب خرد خواهد شد. آر تا حالا در یکی از پیچیده‌ترین دوراهی‌های تاکتیکی و فلسفی دوران مربی‌اش ایستاده است. آیا او در خانه خود، مقابل چشمان ۶۰هزار هوادار لندن که تشنه یک نمایش هجومی و مقتدرانه هستند، دوباره به همان عمل‌گرایی و فوتبال اقتصادی لیسبون پناه می‌برد تا صعود را تضمین کند؟ یا اینکه غرور از دست رفته تیمش را با بازگشت به فوتبال مالکانه، پرریسک و تهاجمی همیشگی‌اش احیای می‌کند؟ این تصمیمی است که می‌تواند مرز بین یک نابغه و یک بازنده را برای او رقم بزند. در سوی دیگر، اسپورتینگ برای دفاع کردن و تسلیم شدن به لندن نمی‌آید. آنها همانند یک هیولای زخمی هستند که دیگر چیزی برای بازی از دست دادن ندارند و همین ره‌ها بودن از فشار صعود، در نغالی‌های ابرای‌ترین

نسخه از خودشان تبدیل می‌کند. آنها در بازی رفت نشان دادند که در بستن فضاها و تخریب بازی‌سازی حریف ایستادند. امشب، ضدحملات زهرآگین اسپورتینگ و انتقال‌های سریع آنها از دفاع به حمله، دقیقاً همان شمشیری است که بالای‌سر خط دفاعی بالا کشیده آر سنال تاب می‌خورد.

نبرد امشب در امارات، بسیار فراتر از یک تقابل تاکتیکی روی تخته‌سیاه است؛ این یک جنگ تمام‌عیار روان‌شناختی است. آر سنال سال‌هاست که با طلسم مراحل حذفی در اروپا دست‌وپنجه‌ترم می‌کند. حالا، در روزهایی که جام‌های داخلی از کف رفته‌اند و لیگ قهرمانان تنها ریسمان امید آنهاست، فشار روانی برای حفظ این تک‌گل برتری می‌تواند پاهای بازیکنان جوان آر تننا را به وزنه‌هایی سربی تبدیل کند. اسپورتینگ به خوبی می‌داند که اگر در نیمه‌اول به یک گل زده‌هنگام برسد، جورور شگانه‌امارات در کسری از ثانیه‌ا حمایت پر شور به‌اضرابی خردکننده و فلج‌کننده تغییر فاز خواهد داد. برای مارتین اول‌گار ده‌بعنوان رهبر ار کستر، بوکاپوسا کادرا قامت‌وبرانگر جناحین و ویلیام سالیبار در قلب دفاع، این ۹۰ دقیقه، آزمون نهایی بلوغ است. آنها باید به اروپا ثابت کنند که آن پیروزی زشت اما استراتژیک در لیسبون، یک جرعه شانس نبوده است. آر سنال جدید باید نشان دهد که بالاخره یاد گرفته است چگونه در شب‌های سرد، بی‌رحم و بر التهاب اروپا، بدون لغزش از روی لبه تیغ عبور کند. سوت آغاز بازی، پایان تمام‌تئوری‌هاست؛ آر سنال پایه‌جمع چهار تیم برتر قاره اروپا زمی‌کند تا رویای رستگاری را به زیباترین شکل زنده نگه دارد، یا با یک لغزش تراژیک، در زندان شیشه‌ای رویاهای خودش غرق خواهد شد. امارات، آماده یک حبس نفس ۹۰ دقیقه‌ای است.

توانست از تباطو بین هافبک‌ها و مهاجمان رنال را قطع کند. امشب، جود بلینگام باید از زیر این فشار خردکننده خارج شود. اگر بلینگام نتواند توپ را با موفقیت از خط پرس اول بایرن عبور دهد و فضای پشت هافبک‌های آنها برساند، رنال مادرید عملا خلع سلاح خواهد شد. این یک جنگ فیزیکی و ذهنی تمام‌عیار برای کنترل شریان‌های حیاتی بازی است.

کمپانی علاقه دارد حُسط دفاعی‌اش را بالا نگه دارد. تافضا را برای حریف تنگ کند. این تاکتیک در برابر بازیکنان سرعتی رنال، یک قمار خطرناک

است. در بازی رفت، رنال تنها یک‌بار توانست از این تله به درستی فرار کند که منجر به گل امپابه شد. آر بلوا قطعاً برای امشب برنامه ویژه‌ای برای شکستن این حُسط دفاعی بالا کشیده دارد. یک پاس عمقی دقیق از فده یا گولر و فرار میلی‌متری وینسیوس، بی‌تواند نقشه‌های کمپانی را در کسری از ثانیه نقش بر آب کند.

ساعت‌ها به سرعت در حال سپری شدن هستند و عفر به‌ها به سمت لحظه موعود در مونیخ حرکت می‌کنند. این بازی، تجلی ناب همان چیزی است که فوتبال را به دراماتیک‌ترین هنر بشری تبدیل کرده است. یک سو، پادشاه خیمه‌های کتاج و تخت داخلی‌اش را از دست داده و حالا برای حفظ غرور تاریخی‌اش، باید در قلمروی دشمن دست به یک معجزه ناممکن بزند. رنال مادرید، تیمی که بارها ثابت کرده مرزهای منطق را نمی‌شناسد، با تمام وزن تاریخش به مونیخ می‌آید. و در سوی دیگر، ماشین‌بی‌رحم باواریا ایستاده است؛ تیمی که بوی خون را در برنابئو استشمام کرده و حالا در خانه خود، با لئسکری از هواداران تشنه پیروزی، آماده است تا میخ آخر را بر تابوت رویاهای مادرید بکوبد. آیا جمله تاریخی آر بلوا به یک پیش‌گویی افسانه‌ای تبدیل می‌شود و رنال مادرید، در دل تاریکی مونیخ، نور رستگاری را پیدا می‌کند؟ یا بایرن کمپانی، بدون رحم و ششفتگی، کار ناتمام برنابئو را در آلیانتنس آرنا تمام خواهد کرد و پادشاه را برای همیشه بی‌خود خواهد کشید؟ هیچ‌تئوری، تحلیل و آماری نمی‌تواند پایان این تراژدی را پیش‌بینی کند. امشب در مونیخ، فوتبال فراتر از یک ورزش خواهد بود؛ این یک نبرد حماسی برای بقا، انتقال و جوادانگی است. سوت داور، آغاز رقص مرگ روی لبه تیغ باواریا خواهد بود. تماشا کنید، نفس‌ها احسب کنید، چرا که تاریخ، در حال نوشته شدن است.

مرد نرغالی پس از ناگامی تلخ در جام جهانی با ایران و سپس تجربه کوتاه‌مدت در قطر، تشنه یک بازگشت شکوهمندانه بود. او که همواره عاشق پروژه‌های با محوریت نظم‌آفرینی در دل هرج‌ومرج است، غنارا به عنوان نام‌نقش پیوست خود انتخاب کرد تا پنجمین حضورش در تاریخ جام‌های جهانی را روی نیمکت ثبت کند؛ ر کوردی خیره‌کننده و دست‌نیافتنی که او از نظر تداوم حضور در بزرگ‌ترین فستیوال فوتبال جهان، در کنار بزرگ‌ترین افسانه‌های تاریخ مربیگری قرار می‌دهد.

اما جذاب‌ترین و داستانی‌ترین بخش این انتقال هالیوودی، نه فقط حضور کی‌روش در جام جهانی، بلکه قرع‌عکشی مسابقات است. وقتی نام غنا از گلدان‌ها خارج شد و در گروه A در کنار کراسوا، پاناما و البته انگلیس قرار گرفت، بدون شک لبخند معناداری بر لبان کی‌روش نقش بسته است. انگلیس! همان تیمی که در جام جهانی ۲۰۲۲، یکی از سنگین‌ترین، سیاه‌ترین و تلخ‌ترین شکست‌های تمام‌دوران مربیگری کی‌روش را با نتیجه ۶بر دو مقابل تیم ملی ایران رقم زد. آن شکست، شکستی عمیق در تصویر شکست‌ناپذیر ساختار دفاعی کی‌روش ایجاد کرد و غرور او را به شدت تاراج‌ده ساخت. حالا، سرنوشت یک‌بار دیگر سه‌شیرها در مسیر او قرار داده است. کی‌روش این‌بار با تیم ملی غنا، تیمی فیزیکی‌تر، با سرعت انتقال توپ بسیار بالاتر و بازیکنانی که در نبردده‌تن به‌تن مهارت ذاتی دارند، فرصتی بی‌ظلیر برای اعاده حیثیت دارد. تقابل اندیشه‌های تدافعی و زخم‌خورده‌او با خط حمله زهرآگین انگلیس، از همین حالا یکی از دراماتیک‌ترین و پربیننده‌ترین دیدارهای مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۲۶ به‌شمار می‌رود.

کارلوس کی‌روش پدیده‌ای منحصر‌به‌فرد در تاریخ فوتبال مدرن است. در دنیایی که تاکتیک‌ها با سرعت نور تغییر می‌کنند، مریمان صاحب‌سبک می‌آیند و می‌روند و نسل‌های فوتبالی‌پوست می‌اندازند، پیرمرد پیرمرد پیرمرد پیرمرد پیرمرد دفتر چه یادداشت، همان گارد همیشگی در برابر رسانه‌ها و منتقدان، و همان استراتژی مبتنی بر «عرق، خون و دفاع». همچنان در بالاترین و رقابتی‌ترین سطح فوتبال جهان نفس می‌کشد. پیوستن او به غنا، فقط یک جابه‌جایی ساده روی نیمکت نیست؛ بلکه یک بیانیه است. بیانیه‌ای با این مضمون که تا زمانی که فوتبال به‌نظم، ساختارهای دفاعی بسته و مریبانی با کار میزمازی دیکتاتور، مآبانه‌نیزاد دارد، کارلوس کی‌روش آنجا حضور خواهد داشت. او مثل بازیگری است که شاید در طول سال‌ها درگیر پروژه‌های کوچک یا حواشی خسته‌کننده شود، اما همیشه راهی پیدا می‌کند تا خودش را برای سنکاس پایانی و قدم‌زدن روی فرش قرمز جام جهانی برساند. برای کی‌روش هیچ خط پایانی رسم نشده است، او همیشه راهی برای بازگشت به تیتروها پیدا می‌کند، حتی اگر مجبور باشد برای رسیدن به آن، در دقیقه ۹۰ پرواز کند و روی ویرانه‌های آرزوهای یک مربی دیگر، قفسر جابلطبی‌های خودش را از نو بنا کند.